

به مردمی که به دنبال ما می آمدند، نداشتم. دوستم که در نقش ملازم بود و پایین اربه راه می رفت، گفت فلانی! مردم آن قدر آب دهان به پاهایت انداختند که حالت منقلب می شود از دیدنش اما من اصلاً متوجه نشده بودم.

■ لباس های نذری

لباس ها و لوازمی را که برای اجرای نقشمان احتیاج داشتیم، خودمان تهیه می کردیم و بعد از اتمام مجلس، فردی که به آن صندوق دار می گفتند، لباس ها را جمع آوری می کرد و برای مراسم بعدی، صاحب مجلس، حق الزحمه صندوق دار را به طور خاص می داد، زیرا او باید صندوق را حمل می کرد و به مجلس می آورد. حق الزحمه گروه هم بستگی به کرم صاحب مجلس داشت و گاهی حتی مجانی اجرا می کردیم.



از بازار سرشور وارد صحن عتیق می شدیم و آنجا مراسم را ختم می کردیم. در بارگاهی که برایم ساخته بودند، نشسته بودم و چوب خیزرانی را که به دستم بود، به سر و دندان بازیگر نقش امام حسین (ع) می زدم. در آن بالا که نشسته بودم، گریه می کردم بر این مصیبت و اصلاً توجهی



در زمان ناصرالدین شاه اجرا شده است. این نسخه های قدیمی تعزیه با هم تفاوت دارند، اما این تفاوت، خللی در معنا و مفهوم وارد نمی کند و به عبارتی برخی اشعار در نسخه تهران هست اما در نسخه کاشان و مشهد وجود ندارد؛ به عنوان مثال در نسخه کاشان، مراسم ازدواج حضرت قاسم (ع) وجود دارد که در آن خنجه می آورند و مراسم ازدواج برگزار می شود. من این اشعار را به گونه ای تصحیح کردم که اصل ماجرا روایت می شود اما مراسم ازدواج و خنجه در آن وجود ندارد و در حال حاضر همین نسخه ها برای تعزیه استفاده می شود.

■ از سایر شهرهای اری کپی نسخه هایم می آیند

تعزیه خوان های قدیمی می دانند که نسخه های با ارزش و قدیمی ای دارم که متونش را تصحیح کرده ام، به همین خاطر از شهرهای دیگر می آیند و نسخه ها را به امانت می برند برای کپی گرفتن و دوباره آن را برمی گردانند. این کار با شروع محرم بیشتر اوج می گیرد.

■ نسخه ها بعد از من

چهار سال است که دیگر نمی توانم به دلیل آسمی که دارم، تعزیه خوانی کنم، اما باز هم دلم نمی آید این هنر را کنار بگذارم؛ به همین خاطر چند سالی است که به رشتخوار می روم و به آن ها تعزیه خوانی را آموزش می دهم و در سمت معین البکا تعزیه آماده می کنم. برخی نسخه های قدیمی ام را به تعزیه خوان های رشتخوار داده ام. مابقی را هم به یکی از شاگردانم که انتخابش کرده ام، می دهم تا او وارث این نسخه ها باشد اما در حال حاضر او را معرفی نمی کنم.

■ سایر تعزیه ها

بسیاری از جوانان امروز که تعزیه را ندیده اند، آن را تنها به مراسم عاشورا و تاسوعا منحصر می دانند اما تعزیه های دیگری که ما آن را در گذشته اجرا می کردیم، عبارت بود از ازل تا قیامت، هابیل و قابیل، حضرت ایوب، حدیث کسا و... در مجموع ۷۲ تعزیه وجود دارد که همه آن ها را دارم. در گذشته مردم رغبت بیشتری برای تماشای این هنر داشتند اما امروزه تلویزیون، رادیو و اینترنت سبب شده که این هنر کمتر در بین نسل جوان طرفدار داشته باشد.

■ زنان با گریه شان، مجلس را گرم می کردند

آن زمان یادم می آید گریه زنان، مجلس را گرم می کرد و گاه آن قدر در حس و حال کربلا فرو می رفتند که گاهی مادر، بچه اش را که نقش اشقیان را داشت، مورد عنایتش قرار می داد! یادم می آید یک دوره نقش یزد را داشتیم. آن زمان



را که صدای خوبی داشت، برای این کار انتخاب می کردند. البته به این معنا نبود که هر کس از گرد راه می رسد، نقش اولیا خوان یا اشقا خوان را به او بسپارند، بلکه این کار سلسله مراتبی داشت. کودکی که وارد تعزیه می شد، ابتدا از نقش بچه خوان شروع می کرد؛ مانند نقش سکینه و رقیه. سپس نقش طفلان مسلم را بازی می کرد و بعد قاسم خوان و علی اکبر خوان می شد. بعد از دوره علی اکبر خوانی، تعزیه خوان وارد دوره شهادت خوانی می شود. اگر صدای خوبی داشته باشد، شهادت خوان می شود اما اگر صدای تعزیه خوان ضعیف باشد، زن پوش می شود. بعد از اینکه یک تعزیه خوان دوره شهادت خوانی را به پایان رساند، دیگر محاسنش سفید شده و می تواند امام خوان باشد. کسی که در رأس شهادت خوانی قرار می گیرد، هم امام خوانی می کند و هم عباس خوانی. آخرین مرحله، امام خوانی است که در آن باید از یک سن خاصی گذشت تا به این مرحله رسید. در این سن، صدا کمی ضعیف تر می شود و سوز بیشتری دارد.

■ وارث یکار ثیة قجری

تمام افرادی که برای خواندن به روی صحنه می آمدند، نقش هایشان را از قبل تمرین می کردند. برخی شب ها دور هم جمع می شدیم و بدون پوشیدن لباس تعزیه، تمرین می کردیم. مردم هم برای دیدن تمرینمان می آمدند. گاهی که فردی بیشتر به تمرین احتیاج داشت، توسط معین البکا به صورت خصوصی تمرین داده می شد. در ۷۰ سالگی که تعزیه اجرا کردم، همه نقش ها را بازی کردم، حتی گاهی که بازیگر نقشش به هر دلیلی نمی آمد، خودم به جای او می رفتم. سال ها بایات مختاری به تعزیه های مختلف در شهر رفتیم تا اینکه او و سایر بزرگ ترهای تعزیه ما به رحمت خدا رفتند و من جای آن ها را گرفتم و شدم معین البکا. هنگامی که بیات مختاری به رحمت خدا رفت، وصیت کرده بود نسخه های تعزیه اش را که از دوران قاجار به او رسیده بود، به من بدهند. این نسخه ها برایم بسیار با ارزش بودند، زیرا به طور معمول این نسخه ها به افرادی داده می شود که استعدادی در این کار داشته باشند. این نسخه ها در طول سالیان از دست به دست چرخیده بود و معین البکا آن را به بهترین شاگردانش داده بود و حالا هم من، وارث این ارثیه قجری هستم.

■ تصحیح نسخه ها

نسخه های متفاوتی از تعزیه وجود دارد که به اسم های نسخه کربلا، تهران، قزوین، مشهد و کاشان شناخته می شود که شیعیان آن را اجرا می کردند. قدیمی ترین نسخه تعزیه مربوط به تهران است و اولین تعزیه نیز در تکیه دولت